جام جم
اقتصاد ۳
ECONOMY
چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۷۰۴۳

وام ۴۵ تا ۱۵۰ میلیون تومانی برای مشاغل خانگی مستقل

رئیس دبیرخانه ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: سقف وام مشاغل خانگی تا ۴ میلیارد تومان است اما افراد مستقل و انفرادی‌ها (مشاغل خانگی مستقل) از ۴۵ میلیون تومان تا سقف ۱۵۰ میلیون تومان می‌توانند تسهیلات بگیرند که بازپرداخت آن ۷ ساله با سود ۴ درصد خواهد بود.

فاطمه سخایی اظهار کرد: مشاغل خانگی مستقل به فعالیت افرادی اطلاق می‌شود که به‌طور مستقل ثبت نام کرده و کسب‌وکاری را شروع می‌کنند و در صورتی که نیاز به حمایت مالی داشته باشند، وارد سامانه مشاغل خانگی می‌شوند. ستاد مشاغل خانگی پشتیبان کسانی است که به‌صورت خوشه‌ای افرادی را شناسایی کرده و تحت پوشش قرار می‌دهند که زنجیره تأمین را از طراحی ایده تا توزیع، برندینگ و بازاریابی و خدمات پس از فروش از صفر تا صد خودشان انجام می‌دهند.

وی افزود: در بحث گرفتن وام از نظام بانکی، بروکراسی اداری بانک‌ها ضوابط خود را دارد و ما هرچه با بانک مرکزی مکاتبه کنیم که پرداخت وام تسهیل و تسریع شود، بازهم پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. سخایی اعلام کرد: حداقل سرمایه برای شروع یک کسب‌وکار خانگی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان است.

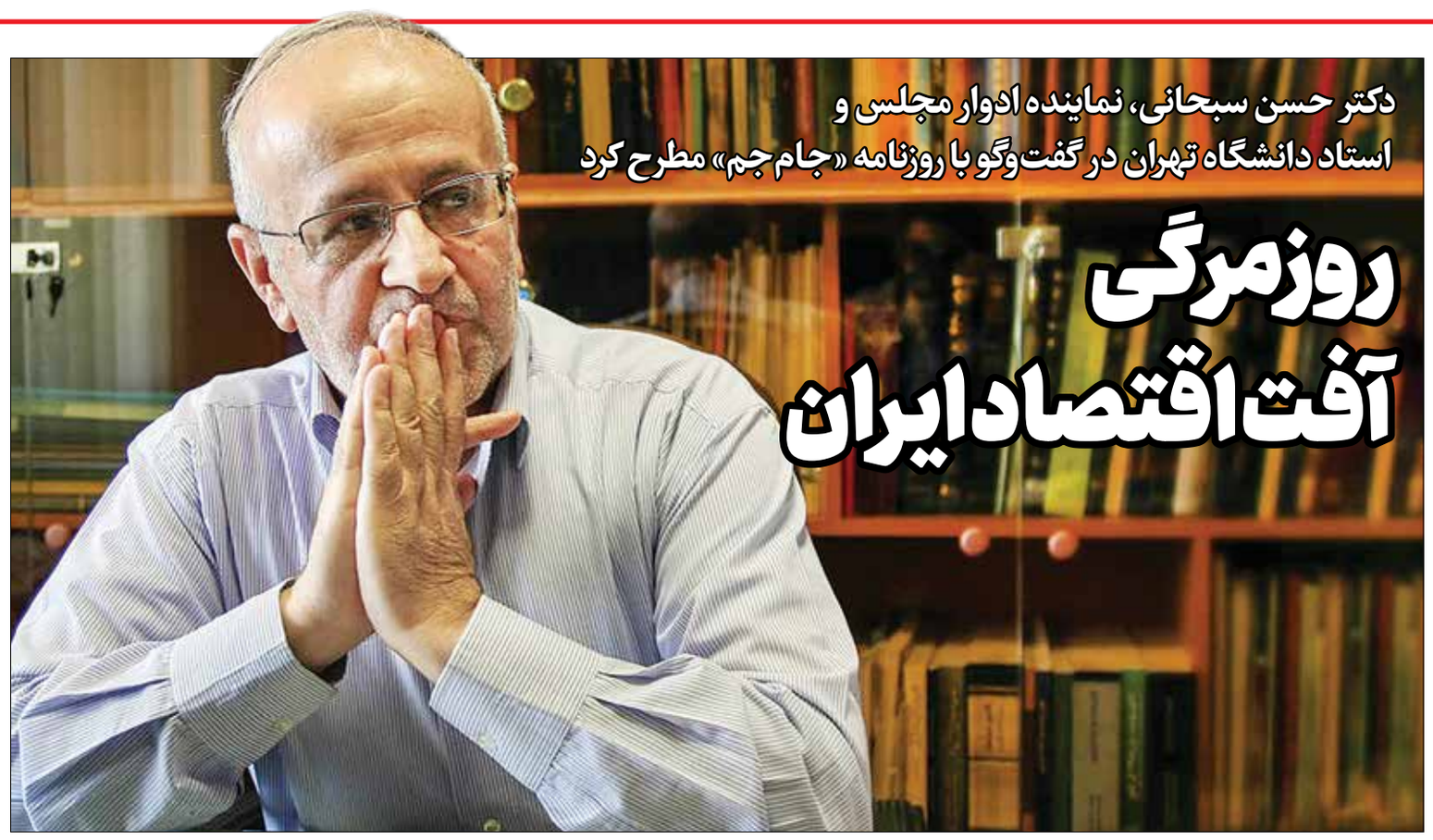

دکتر حسن سبحانی، نماینده ادوار مجلس و استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگو با روزنامه «جام جم» مطرح کرد

روزمرگی آفت اقتصاد ایران

محمدحسین علی‌اکبری
دبیر گروه اقتصاد

اقتصاد ایران سال‌هاست با بیماری مزمن تورم دست و پنجه نرم می‌کند. در این مدت اسناد بالادستی زیادی داشتیم که وضعیت فعلی اقتصاد نشان می‌دهد به آنها نرسیده‌ایم. رشد اقتصادی در دهه ۹۰ تقریبا صفر بود و کارشناسان از این دهه به نام «دهه از دست رفته» یاد می‌کنند؛ شرایطی که می‌توانست سکوی پرتاب اقتصاد ایران باشد اما این‌طور نشد. برخی دیگر بر این باورند که ناترازی‌های امروز نتیجه عملکرد منفعلانه در آن دهه است. موضوعی که نباید از آن مغفول ماند، وجود برنامه‌های بالادستی است که نتیجه مطلوب نداشته و دکتر حسن سبحانی، نماینده ادوار مجلس و استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگویی که با روزنامه «جام جم» داشت، به روزمرگی اقتصاد ایران و نبود آینده‌پژوهی اشاره کرد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

در طول سال‌های گذشته چندین برنامه پیشرفت در کشور تهیه و اجرا شده اما به نتیجه مطلوب نرسیده. به‌نظر شما آیا ایراد از جزئیات برنامه است یا در بخش اجرا دچار مشکلاتی هستیم؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید درباره آینده‌پژوهی صحبت کنیم. تحولات جوامع بسیار سریع در حال اتفاق افتادن بوده و هرچه جلوتر می‌رویم، سرعت آن بیشتر می‌شود؛ در اموری مانند جمعیت، تغییرات نسلی، گرایشات فرهنگی، تأثیرات ناشی از جهانی شدن و فرسایش منابعی که در هر جامعه وجود دارد. تحولات جهانی نیز در امور داخلی یک کشور تأثیر می‌گذارند که مانند علوم و فنون در حال شکل‌گیری هستند و آینده زندگی انسان را تغییر می‌دهند و سبک‌های زندگی جدید پدید می‌آورند.

به‌عنوان مثال در آینده‌پژوهی درباره این مساله اندیشه می‌شود که چه تغییراتی در امور زیست‌شناختی اتفاق می‌افتد و چه تأثیری در سبک زندگی مردم دارد. درواقع برای شناخت مواردی که ممکن است در آینده به‌وجود بیاید و تأثیر آنها در اوضاع یک جامعه و تعیین اقدامات متناسب برنامه‌ریزی می‌شود. ما در کشور خودمان فاقد آینده‌پژوهی بوده‌ایم. اصولا به تحولات این‌چنینی فکر نمی‌کنیم و زمانی که مردم با مشکلاتی مانند ناترازی آب و برق و گاز و آلودگی هوا و موارد این‌چنینی روبه‌رو می‌شوند، مسئولان هم همزمان خود را با این موارد مواجه می‌بینند.

در موضوع ناترازی اشتباه کجا بوده؟ چرا با وجود اسناد بالادستی مبنی بر هدفگذاری برای پیشرفت به این نتیجه رسیده‌ایم؟

دوباره باید تأکید کنم که ما فاقد آینده‌پژوهی بوده‌ایم. زمانی که این اتفاق واقع نشده، قطعا باید خودمان را برای مواجهه با ناترازی آماده کنیم. البته دلیل دیگری هم دارد. یک سطح ضروری‌تر از آینده‌پژوهی وجود دارد به‌نام «آمایش سرزمین». ما در ادبیات از آن صحبت می‌کنیم اما آمایش در برنامه‌ریزی کشور جایی ندارد. آمایش سرزمین به معنای قرار دادن امور با نظم و ترتیب، همراه با آینده‌نگری است که قبل از برنامه‌ریزی باید انجام شود. آمایش سرزمین برنامه‌ریزی فضایی است و به برنامه‌ریز کمک می‌کند که به‌عنوان مثال برای مهاجرت معطوف به تحولات جمعیتی، رشد اقتصادی، توزیع درآمد و... با لحاظ مسائل آب و خاک و امکانات طبیعی و زیست‌محیطی پیش‌بینی داشته باشد تا بتواند برای جمعیت یک منطقه مشخص که در حال رشد است اقداماتی را انجام دهد. ما آمایش سرزمین هم نداریم.

در مورد برنامه‌های توسعه‌ای هم باید بگویم قوانینی که در کشور ما وجود دارد، درباره برنامه‌های عمرانی است. من صحبت از قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ می‌کنم که نسخ نشده است. بنابراین قانون، از کشور برنامه عمرانی می‌خواهد در حالی که ما برنامه عمرانی هم نداریم. برنامه‌توسعه با برنامه عمرانی متفاوت است. درواقع برنامه‌ریز باید برنامه‌ای تدوین کند که ممکن‌الوصول و ممکن‌الحصول باشد.

در برنامه‌های موسوم به توسعه‌ای بعضا بیش از هزار اولویت و هدفگذاری تعیین می‌شود که این موارد نشان می‌دهد هیچ اقدامی در اولویت نیست. برنامه‌ها فاقد منابع تصویب می‌شوند (به‌جز برنامه اول و دوم تا الان در هیچ‌کدام از این برنامه‌ها منابع لازم برآورد و محل تامین آن تعیین نشده است.)

در برنامه‌ها هماهنگی میان دستگاه‌ها وجود ندارد. مصوبات متعدد و متنوع برنامه‌ها مانند اعضای ارکستر بزرگی هستند که بدون رهبر و هماهنگ‌کننده هرکدام ساز خودشان را می‌زنند. فرضا برای بخش صنعت یا معدن هدفگذاری شده اما برای تربیت نیروی انسانی متخصص لازم برای آن در دانشگاه ظرفیتی دیده نشده است. دستگاه برنامه‌ریز کشور از این رویه‌های سیستمی دور است.

در چند برنامه توسعه، رشد ۸ درصدی اقتصاد تعیین شده است. به‌نظر شما با امکانات موجود در کشور، این هدف قابل تحقق است؟

ببینید اساسا رشد اقتصاد تعیین‌کردنی نیست. رشد باید بر اساس منابع و نیروی انسانی، امکانات مالی و اعتباری و شناسایی ظرفیت‌ها که در اختیار است، تعیین شود. در آن صورت مشخص می‌شود که رشد چند درصد است. در واقع عدد باید حاصل محاسبات باشد نه حاکم بر محاسبات. در بخشی از رشد اقتصادی، بهره‌وری دیده شده است. بهره‌وری در نگرش انسان‌ها و دیدگاه آنها برای استفاده بیشتر از امکانات موجود است. اهدافی که اعلام می‌شود باید از دل مطالعات واقع‌بینانه و محاسبات دقیق بیرون آمده باشد. وقتی بیرون نیامده انتظار رسیدن به آن هدف نیز نباید وجود داشته باشد.

اگر کسی با فرهنگ ایرانی آشنایی داشته باشد، متوجه خواهد شد هرچقدر قیمت حامل‌های انرژی افزایش یابد، تقاضای انرژی لزوما و به اندازه مؤثر کم نمی‌شود زیرا تقاضای انرژی مثل تقاضا دارو نسبتا بی‌کشش است

یکسری نسخه‌ها از سوی برخی نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی مانند حذف یارانه برای اقتصاد برخی کشورها تجویز می‌شود. آیا این نسخ می‌تواند گره‌گشای مشکلات یک کشور باشد؟

ابتدا به موضوع یارانه‌ها اشاره می‌کنم. مسأله عدم تعادل‌ها در انرژی یک مسأله خرد اقتصاد نیست، یک مسأله کلان است. اگر مسأله خرد بود شاید از نظر علم اقتصاد می‌شد از طریق قیمت هم به سراغ آن رفت، در حالی که این مسأله کلان است. حالا چرا کلان است؟ نکته اول این‌که به این مسأله باید فکر کرد که چرا برق و انرژی در ایران را شرکت‌های دولتی تولید می‌کنند. به این دلیل که شرکت‌های خصوصی در حد و اندازه تولید انرژی نبوده و وارد این حوزه نشده‌اند. در واقع دلیل حضور بخش دولتی در بخش انرژی، نبود شرکت‌های خصوصی در این زمینه است. تجربه بعد از سیاست‌های خصوصی‌سازی ناموفق فریاد می‌زند که بخش خصوصی ایران جز در بانک و بیمه نتوانست خودش را نشان دهد. در بخش بانک و بیمه به‌دلیل این‌که تجارت پول مطرح است، خصوصی‌ها وارد شدند. در نتیجه این انتظار که شرکت دولتی را باید براساس شرکت خصوصی اداره کنیم مطلب غلطی است.

نکته دیگر آن است که معنا ندارد نفت استخراج شود و بعد برای سرمایه‌گذاری در حوزه نفت منابع لازم به شرکت‌های تولیدکننده داده نشود. عدم تعادل و وجود ناترازی نتیجه عدم‌سرمایه‌گذاری آینده‌نگرانه است. در واقع کسانی که عامل ارزش افزوده در کشور هستند باید بخشی از درآمد خود را به صندوق توسعه ملی بدهند و بعد در صف متقاضیان وام برای سرمایه‌گذاری قرار بگیرند.

ناترازی‌هایی که به‌وجود آمده به‌دلیل نبود آینده‌پژوهی است و منابع خود این شرکت‌ها را هم برای سرمایه‌گذاری در اختیار آنها نگذاشته‌ایم.

در نتیجه نباید در این شرایط فشار تنها روی دوش مردم باشد. واضح است که منظور من این نیست مردم حیف و میل کنند و ارزان بسوزانند. اینجا باید تصریح کنم که چنین منظوری ندارم.

سازمان‌های بین‌المللی هم به این مسائل نگاه خرد دارند و معتقدند با افزایش قیمت، تقاضا کاهش می‌یابد و ناترازی از بین می‌رود. اگر کسی با فرهنگ ایرانی آشنایی داشته باشد، متوجه خواهد شد هر چقدر قیمت حامل‌های انرژی افزایش یابد، تقاضای انرژی لزوما و به اندازه مؤثر کم نمی‌شود زیرا تقاضای انرژی مثل تقاضا برای دارو نسبتا بی‌کشش است، به این دلیل که حمل‌ونقل عمومی مناسب وجود ندارد.

طرحی اکنون مطرح است تحت عنوان تخصیص بنزین به همه افراد جامعه. به نظر شما این طرح می‌تواند موفق عمل کند؟

این‌که همه افراد باید از یارانه بنزین بهره‌مند شوند، نشان دادن در باغ سبز است. گفته می‌شود افرادی که خودرو ندارند باید از یارانه بنزین بهره‌مند شوند و می‌توانند سهمیه خود را در بازار مشخصی بفروشند. ظاهر این مطلب خوب و عدالت‌خواهانه است اما اصلا این طور نیست. مردمی که خودرو ندارند از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنند که با نرخ ارزان سوخت، کرایه آنها هم ارزان است. اگر به این افراد سهمیه داده شود قاعدتا باید برای حمل و نقل قیمت‌های بالاتری هم بپردازند و البته فشارهای شکننده تورم در سایر قیمت‌ها را هم به جان بخرند. همچنین گفته می‌شود افراد ثروتمند از یارانه بهره بیشتری می‌برند. به عنوان عده‌ای که تعداد آن را نمی‌دانم در کشور مصرف بالایی دارند. آیا برای کنترل مصرف فرضا چند صد هزار نفر ۸۴ میلیون نفر دیگر باید جریمه شوند یا باید اقداماتی متناسب با شرایط این مجموعه برای بهره‌برداری نکردن‌شان از منابع کشور صورت گیرد و بالاخره باید توجه داشت زمانی که قیمت حامل‌های انرژی گران می‌شود، بنا به تجربه گذشته درآمدهای ریالی که نصیب برخی شرکت‌های دولتی می‌شود نیز به منظور حفظ قدرت خرید مردم توزیع می‌شود و لذا آن درآمدها منجر به سرمایه‌گذاری نخواهد شد.

راهکار شما به عنوان استاد اقتصاد در این باره چیست؟

باید گذشته‌ای را که کشور در برنامه‌ریزی داشته در معرض نقد گذاشت. نظام برنامه‌ریزی کشور باید تغییر کند. باید دید در فقدان آینده‌پژوهی و برنامه آمایش، برنامه‌های مطروحه چگونه به وجود آمدند و چطور باید شیوه‌های ناکارآمد معمول اصلاح شود. اگر این اتفاق بیفتد ما در هدف‌گذاری‌های‌مان واقع‌بینانه تحولات آینده را می‌بینیم و برای آن به نحوی برنامه‌ریزی می‌کنیم که به اهداف جامه عمل بپوشاند. این کار تعداد اهداف و اولویت‌های برنامه را به شدت کاهش می‌دهد. به عنوان مثال یک برنامه ممکن است ۲۰ هدف را دنبال کند و لازم نیست نام همه دستگاه‌های اجرایی در برنامه گذاشته شود و برای هر دستگاه برنامه جداگانه‌ای تعریف شود. دستگاه‌های اجرایی قانون دائمی دارند و نیازمند برنامه‌های پنج‌ساله نیستند. زمانی که اهداف محدود شد منابع برای همین مقدار اختصاص داده می‌شود. در آن زمان می‌توان از ابزار نظارت برای پیشرفت اولویت‌هایی که با نگاه به آینده و مواجهه با مسائلی که در آینده قرار است رخ دهد بهره برد. زیرا به دلیل محدود و مشخص بودن اهداف، نظارت قوی‌تر خواهد شد و در دسترس‌تر است. ضمن این‌که کشور باید با تامین منابع برای مواجهه اصولی با تحولات آینده‌پژوهانه در قالب و از طریق اصل ۴۵ قانون اساسی کنار بیاید. اگر بخش خصوصی ایران آمادگی و توان حضور در کارهای مهم، کلان و سرمایه‌بر، به عنوان مثال انرژی را دارد بیاید و کار کند. اگر به هر دلیلی نیامد دیگر بخش خصوصی نباید برای بخش دولتی نرم‌افزار حرکت تعیین کند و نحوه تعیین قیمت‌ها یا نحوه اداره شرکت‌های دولتی را به مثابه شرکت‌های خصوصی دیکته کند. این مواردی است که باید به آنها توجه و وضع موجود را آسیب‌شناسی کرد. اگر تصور کنیم یک برنامه توسعه پنج‌ساله بیش از ۲۰۰ صفحه‌ای با صدها هدف بدون پیش‌بینی منابع وجود دارد و قوه مجریه و قوه مقننه بگویند برنامه ما همین است و این برنامه راهنمای نجات کشور محسوب می‌شود، همچون گذشته عدم تعادل‌ها تشدید و شرایط بدتری پیدا خواهند کرد زیرا وضع موجود نتیجه همین نحوه برنامه‌ریزی غلط است. وزارت امور اقتصادی و دارایی چگونه می‌تواند منابع اجرای برنامه‌ای را تامین و تعیین کند که منابع مورد نیاز اجرای آن اصولا قابل محاسبه نیست. این حجم اهداف چگونه قرار است برآورد، تامین مالی، پیگیری و اجرا شود؟!

اگر مقام برنامه‌ریز عالم و شجاع باشد و قدرت نه گفتن داشته باشد، بساط این سیستم ناکارآمد برنامه‌ریزی برچیده می‌شود و وضعیت متفاوت خواهد شد. اجرای چنین مواردی می‌تواند جهت اقتصاد ایران را به سمت تعادل بکشاند و بتدریج همراه با سایر اصلاحات همه‌جانبه اقتصادی، عدم‌تعادل‌ها را به تعادل فرابخواند.

دلیل حضور بخش دولتی در حوزه انرژی نبود شرکت‌های خصوصی در این زمینه است تجربه بعد از سیاست‌های خصوصی‌سازی ناموفق فریاد می‌زند که بخش خصوصی ایران جز در بانک و بیمه نتوانست خودش را نشان دهد

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK

آگهی مزایده عمومی فروش سهام

شرکت سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه (سهامی خاص)

شماره ۱۴۰۴/۰۱

بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به فروش ۱۰۰ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه (سهامی خاص) به تعداد ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم به ارزش ۲,۳۱۰,۹۵۱,۲۳۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید.

متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۹ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، روبه‌روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند.

(شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۲۳ - ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰)

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به شرح جدول ذیل به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

نام شرکت	سرمایه‌گذاری توسعه سرمایه رفاه (سهامی خاص)
سرمایه ثبت شده	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۲,۳۱۰,۹۵۱,۲۳۲,۰۰۰,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۲۳,۱۰۹,۵۱۲,۳۲۰,۰۰۰
شرایط واگذاری (۱)	تماما نقد و یکجا

(۱) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری با خریدارانی است که قیمتی بالاتر را برای کل بلوک سهام قابل واگذاری پیشنهاد نمایند.

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱ درصد ارزش کل سهام قابل واگذاری می‌باشد که می‌بایستی بصورت وجه نقد واریزی به حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانتنامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار ۳ ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانتنامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گذار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت کامل ثمن معامله اقدام ننماید، هیچگونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گذار می‌تواند ضمانت نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۶- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، نرسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاددهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفا خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقبا اعلام خواهد شد.

۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم (وجه نقد/ضمانتنامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل ثمن معامله توسط برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

www.refah-bank.ir